

جزء بیست و هفتم

آرمان نهایی

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا
مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ
بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ﴾

سوره حدید، آیه ۲۵

ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم. همچنین، کتاب‌های آسمانی را فرستادیم و دین را که معیار سنجش است تا مردم قیام به عدالت کنند. و آهن را (که در ساختن تجهیزات نظامی و غیرنظامی به‌درد می‌خورد)، آفریدیم.



سُورَةُ الْحَدِيدِ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
 وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ
 بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ
 بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ
 وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ
 وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٥٦﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَرِهِمْ
 بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا
 فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً
 ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ
 فَمَنْ رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ
 وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٥٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
 وَآمِنُوا بِرُسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا
 تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٨﴾ لَيْلًا يَعْلَمُ
 أَهْلُ الْكِتَابِ الْأَيْقِدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ
 الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٥٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



آن همه پیامبر برای چه بود؟

آن صد و بیست و چهار هزار نفر را به خاطر چی فرستاده بود روی زمین؟ چرا اسمشان را گذاشته بود ((رسول))؟ مگر قرار بود چه ((پیامی)) را برای ما بیاورند که باید ((پیامبر)) صدایشان می‌زدیم؟ انگار که خودش از قبل فکر همه این سوال‌ها را کرده باشد، با همین تک جمله جوابمان را داده: ﴿لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ تا مردم، از اخلاق و رفتار این پیامبرها الگو بگیرند و خودشان برای برپایی عدالت مبارزه کنند. تا حتی اگر پیامبری در میان‌شان نباشد بتوانند گلیم‌شان را از سیلاب فرعون‌ها و پهلوی‌ها و اسرائیل‌ها بیرون بکشند. این است آن یگانه پیامی که اگر شنیده باشی‌اش، انگار صدای همه پیامبرها را شنیده‌ای.





شهری را تصور کنید که در آن همه با امید و آرامش زندگی می‌کند؛ کشاورز، تاجر، دانشمند، و حتی کودکی که مشغول بازی است، همه خیال‌شان راحت است که حقوقشان محفوظ است. هیچ‌کس از دست‌اندازی ظالم نمی‌ترسد و هیچ حقی در سایه‌ی فساد یا تبعیض پایمال نمی‌شود. این شهر مردمی است که نه تنها عدالت را ارزش می‌دانند، بلکه تحقق عدالت و پاسداری از آن را وظیفه حتمی خود می‌شمارند. کوچک‌ترین بی‌عدالتی، آنان را برمی‌انگیزد و نسبت به ظلم و تعدی، حساسیتی عمیق دارند. هرکس در این جامعه، دیده‌بانی است که اجازه نمی‌دهد حقی پایمال شود یا ظالمی جرأت تعدی پیدا کند. در برابر بی‌عدالتی، همه یک صدا و محکم می‌ایستند. چنین جامعه‌ای دست‌نیافتنی نیست؛ بلکه تجسمی از پیام الهی است که می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱. خداوند پیامبرانش را با دلایل روشن، کتاب آسمانی و میزان فرستاد تا مردم خودشان قیام به عدالت کنند تا جهانی بسازند که در آن عدالت، نه تنها هدف، بلکه مأموریتی است بر دوش همه‌ی انسان‌های آن.

اما چون قسط و عدل، کاسبی کسانی که نان‌شان در بی‌عدالتی است را کساد می‌کند، عدالت نیاز به پاسداری دارد و پاسداری، نیاز



به استحکام و قدرت. برای همین خداوند در ادامه می‌فرماید: **﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ﴾**^۱. برای تحقق عدالت، تنها دلیل و معیار کافی نیست. خداوند آهن را نیز آفرید؛ آهن، نمادی از نیرویی است که از عدالت حفاظت می‌کند. آهنی که هم برای ساخت ابزارهای جنگی و هم برای سازندگی به کار می‌رود. باید برای عدالت جنگید و مبارزه کرد.

در نگاه خداوند، قدرت مردم خیلی زیاد است. همان خدایی که فرمود **﴿لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾**^۲، اینجا هم فرموده **﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾**. یعنی خدا این رسالت و آرمان خطیر و بزرگ را از ما مردم توقع دارد و تحققش را در وسع ما می‌بیند. «خداوند متعال به پیغمبرش می‌فرماید که «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ»^۳ خیلی مهم است! خدای متعال مؤمنین را در ردیف نصرت خودش قرار می‌دهد؛ ... باید مردم بخواهند، مردم بیایند، مردم اقدام کنند.»^۴ دین می‌خواهد خود مردم را «قدرتمند» و «میدان‌دار» کند تا مردم خودشان در یک «حرکت جمعی» رشد کنند و قدرت پیدا کنند تا بتوانند مشکلات را حل کنند. این روش، تنها روش پایدار برای برقراری عدل در یک جامعه است.

۱. سوره حدید، آیه ۲۵

۲. سوره بقره، آیه ۲۸۶

۳. سوره انفال، آیه ۶۲

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

عهد با ایتام

خداوند در این آیه از ما خواسته است که:

برای برقراری عدالت در جامعه تلاش کنیم و این را وظیفه خود و تمام افراد جامعه بدانیم.

برای عمل به این آیه در زندگی می‌توانیم:

❁ برقراری عدالت را از خود شروع کنیم. عادلانه حرف بزنیم و منصفانه قضاوت کنیم و... تا فرزندانمان هم عادل تربیت شوند.

❁ در مواجهه با بی‌عدالتی، سکوت نکنیم.

❁ چنانکه اشتباهی کردیم و دیگران بصورت عادلانه ما را نقد کردند، با روی باز پذیرایش باشیم.

